

# کارآگاه بازی تازه عروس ، شوهرسارقش را روانه زندان کرد

6 اردیبهشت 1405

تازه عروس که به رفتارهای شوهرش مشکوک شده بود وقتی احتمال داد او سارق باشد، موضوع را به پلیس خبر داد.

پاییز سال گذشته، خبر سرقت از خانه مردی تاجر به پلیس اعلام شد. وی که تازه از مسافرت برگشته و متوجه سرقت از خانه‌اش شده بود، به پلیس گفت: «سارقان پس از باز کردن در گاوصندوق خانه‌ام بیش از دو کیلو طلا و مقدار زیادی دلار و ارز به ارزش 40 میلیارد تومان سرقت کرده‌اند.» در بررسی‌های اولیه تیم تحقیق مشخص شد که سارقان، 4 مرد نقابدار بودند که با کلید وارد خانه شده و در گاوصندوق را به صورتی ماهرانه باز کرده‌اند. در ادامه تحقیقات کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت پرداختند. دوربین‌ها نشان می‌داد سارقان سوار بر یک خودروی آزرای مشکی به محل آمده و پس از سرقت، فرار کرده‌اند.

تحقیقات اولیه این فرضیه را برای تیم تحقیق مطرح کرد که سارقان با مرد تاجر آشنا هستند. اما در ادامه تحقیقات مأموران پلیس با شکایت‌های مشابه مواجه شدند و این فرضیه رنگ باخت. در تمام سرقت‌ها سارقان نقابدار با خودروی آزرای مشکی و پلاک جعلی سرقت را اجرا می‌کردند.

همسر سارق است

مرکز مشاوره  
**فال فوب**  
ازدواج ، خانواده  
دکتر کبری درویش پیشه  
دکتري روانشناسي تربيتي  
بامجوز سازمان نظام روانشناسي ايران  
حضوري و تلفني  
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

تحقیقات برای شناسایی سارقان آزا سوار ادامه داشت تا اینکه زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و مدعی شد همسرش سارق است. زن جوان گفت: «چند ماه قبل در شبکه اجتماعی اینستاگرام با آرمان آشنا شدم. او مردی خوش تیپ و قیافه بود و وضع مالی خوبی داشت. آرمان در قرار اول سوار بر یک خودروی آزا به محل قرار آمد. دوستی ما چند هفته بیشتر طول نکشید و بعد از آن با هم عقد کردیم. قرار شد چند ماه بعد هم مراسم عروسی برگزار شود.»

او ادامه داد: «بعد از عقد متوجه شدم او اغلب شبها خیلی دیر یا اوایل صبح به خانه برمی‌گردد و این موضوع ذهنم را به هم ریخت. وقتی پرسیدم، به من می‌گفت از مدیران یک شرکت واردات و صادرات است و مجبور است شبها تا دیروقت کار کند. اما هر چه از او اسم شرکت را می‌پرسیدم، جواب درستی به من نمی‌داد. تا اینکه یک روز سرزده به خانه او رفتم و داخل جعبه‌ای پشت آئینه به صورت اتفاقی یک ماسک و دستکش و یک دست لباس مشکی پیدا کردم. شبیه وسایل سارقان بود و این گمان برایم پیش آمد که نکند او سارق است و برای این شبها خانه نیست که به سرقت می‌رود. او وضع مالی خیلی خوبی دارد و اگر بخواهد به من پول بدهد دلار می‌دهد و این موضوع شک مرا بیشتر کرده است.»

به دنبال اظهارات زن جوان، کارآگاهان پلیس به بررسی هویت آرمان پرداخته و مشخص شد او سارقی سابقه‌دار است که به تازگی از زندان آزاد شده است. با برملا شدن این موضوع، کارآگاهان با زیر نظر گرفتن او، موفق شدند متهم و یکی از همدستانش را بازداشت کنند.

آرمان و همدستش به سرقت‌های سریالی از خانه‌ها اعتراف کرده و تحقیقات برای دستگیری دو همدست فراری‌اش به دستور بازپرس شعبه 10 دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

## سرقت پس از 7 سال حبس

آرمان، سارق حرفه‌ای و مغز متفکر سرقت‌های سریالی از خانه‌های شمال پایتخت در رابطه با نحوه سرقت‌هایش گفت: «در خیابان‌های بالای شهر پرسه می‌زدیم و با دیدن خانه‌ای لوکس و مجلل آن را برای سرقت انتخاب می‌کردیم. یک نفر از ما زنگ خانه را به صدا درمی‌آورد و در صورتی که صاحب خانه پاسخی نمی‌داد، وارد می‌شدیم. اگر هم کسی در خانه بود، آدرس یا اسمی اشتباه می‌گفتیم و به سراغ سوژه بعدی می‌رفتیم.»

### اما درهای ورودی خانه‌ها و گاوصندوق‌ها سالم بود؛ چطور سرقت می‌کردید؟

من متخصص باز کردن قفل درها هستم. از در حیاط گرفته تا درهای ضد سرقت و گاوصندوق‌ها. تمامی درها را من باز می‌کردم.

### چطور یاد گرفتید؟

قبل از زندان با مردی آشنا شدم که با چشمان بسته قفل در گاوصندوق را باز می‌کرد. اما در حادثه‌ای دستش آسیب دید و با یک دست باز کردن گاوصندوق برایش سخت بود. وقتی دید من استعداد زیادی در این زمینه دارم، به من راز باز کردن گاوصندوق‌ها و قفل‌های مختلف را آموزش داد. او به قدری در کارش حرفه‌ای بود که حتی از روی قفل می‌توانست برای آن کلید بسازد.

### چرا زندان بودی؟

به خاطر سرقت 7 سال زندان بودم، با همان استاد و همدستم سرقت می‌کردیم که مأموران به ما شک کردند و بازداشت شدیم. چاره‌ای جز اعتراف نداشتیم و به 7 سال حبس محکوم شدیم. البته همدستم چون مسن بود و بیماری قلبی داشت، زودتر از من از زندان آزاد شد ولی مدتی بعد فوت کرد.

### بعد از آزادی دوباره سرقت کردی؟

مهر آزادی‌ام خشک نشده بود که باندی تشکیل دادم و سرقت‌ها را شروع کردیم.

رکورد تو برای باز کردن در گاوصندوق چقدر است؟

من زیر 20 دقیقه هر گاو صندوقی را باز می‌کنم.

**خودروی آزرا را از کجا آوردی؟**

مال خودم است. سهمم از سرقتها را به دلار و طلا پس‌انداز می‌کردم. وقتی بازداشت شدم، گفتم که پولی برای پرداخت رد مال ندارم و مبالغی خیلی کمتر از مبالغی که از مالباخته‌ها سرقت کرده بودم را به آنها پرداخت کردم. زمانی که آزاد شدم، دلارها و طلاها را فروختم و یک خودروی آزرا خریدم.

**مرضیه همایونی**